



The Islamic-Iranian pattern for progress, a discourse pattern for an all-embracing evolution

Mostafa Motahari Khoshinani¹, Jahanbakhsh Izadi²

1. Ph.D. student of political science, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
(Corresponding Author): mmotaharikh@gmail.com

2. Assistant Professor, Political Science Department, Faculty of Political Science, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran. mmotahari61@gmail.com

Received: 31 May 2018; Revised: 20 March 2019; Accepted: 17 April 2019

Abstract

The main purpose of the present study is to perform a conceptual analysis of the fundamentals and foundations of the discourse on the Islamic-Iranian pattern for progress. In this way, we attempt to answer the main question “on what elements and criteria do the horizons of the Islamic-Iranian pattern for progress put emphasis?” Creating a discourse on the Islamic-Iranian pattern for progress, managing the production of indigenous sciences (Islamic-Iranian), and designing and implementing the pattern for evolution management in order to implement the goals are all considered the topics dealt with in this research. The research method is descriptive-analytical, and the results showed that while the discourse on justice and progress as well as the Islamic-Iranian pattern for progress is becoming a reference discourse and hegemon in the context of policy making and the executive management of the government in the public and social arena of Iran, we should not forget that the proposal and alternative concern for an indigenous pattern with Islamic-Iranian approach to evolution and development built on its Western form are the foundations of the discourse on articulated nativism in the aftermath of the Islamic Republic. Rigidly and realistically recognizing the country’s experiences during the four decades after the revolution in certain “institutionalization”, “structural reforms” like “twenty-year vision” and “development of principle 44 policies” and “targeted subsidies” can contribute to the better development of the country’s progress pattern. In the intellectual-practical-Islamic-Iranian model for progress, we can easily recognize concepts like nativity, nativism, localization, and localized vision with the key propositions of a discourse subject.

Keywords: Islamic-Humanitarian sciences, Islamic-Iranian pattern for progress, Justice, Nativism.



الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی گفتمانی در راستای تحول همه‌جانبه

مصطفی مطهری خوشینانی^۱، جهانبخش ایزدی^۲

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): mmotaharikh@gmail.com
۲. استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌مرکز، تهران، ایران. mmotahari61@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۷/۱۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی مفهومی مبانی و مبادی گفتمانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بوده و در این راستا، تلاش شده است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که افق‌های مورد نظر در الگوی بومی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر کدام عناصر و شاخص‌ها تأکید دارد؟ گفتمان‌سازی درباره الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مدیریت تولید علوم بومی (اسلامی - ایرانی) و طراحی و اجرای الگوی مدیریت تحول در جهت پیاده‌سازی اهداف از جمله مواردی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد، در حالی که گفتمان عدالت و پیشرفت و نیز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حال تبدیل شدن به گفتمانی مرجع و هژمون در فضای سیاستگذاری و مدیریت اجرایی دولت و در عرصه عمومی و اجتماعی ایران است، نباید فراموش کرد که پیشنهاد و دغدغه جایگزین الگوی بومی با رویکرد اسلامی - ایرانی برای تحول و توسعه از شکل غربی آن، زمینه اصلی گفتمان بومی‌گرایی مفصل‌بندی شده پس از انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد. شناخت متراکم و واقع‌بینانه‌ای از تجربیات کشور در طول چهار دهه بعد از انقلاب، در برخی از «نهادهای» و «اصلاح ساختارها» مانند ترسیم «چشم‌انداز بیست‌ساله» و «تدوین سیاست‌های اصل ۴۴» و «هدفمند کردن یارانه‌ها» می‌تواند در تدوین بهتر الگوی پیشرفت کشور نقش کلیدی و مؤثری ایفا کند. در مدل فکری - عملی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مضامین نظری از بومی‌شدن، بومی‌گرایی، بومی‌سازی و بومی‌نگری با گزاره‌های کلیدی از موضوع گفتمانی را می‌توان به‌راحتی در آن شناسایی کرد.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بومی‌گرایی، عدالت، علوم انسانی - اسلامی.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «بررسی تطبیقی نسبت توسعه و ایدئولوژی در دو دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی».

مقدمه و بیان مسأله

از همان سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی در ایران تاکنون چهار گفتمان حول محور توسعه و تحول در ایران شکل گرفته‌اند که ابتکار طرح و پیشبرد این گفتمان‌ها با دولت‌های وقت بوده است و مقام معظم رهبری، با وجود ارائه راهبردهای کلی، بیشتر نقشی هدایت‌گر و ارشادی نسبت به آن‌ها داشته‌اند و تلاش کرده‌اند، تا از انحراف احتمالی آن‌ها در ذیل اهداف و آرمان‌های انقلاب جلوگیری کنند. اما با شروع دهه چهارم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۷ هـ. ش، به ابتکار مقام معظم رهبری تلاش شده است ضمن حفظ نقش نظارتی و ارشادی در رویکردهای قبلی، «گفتمان عدالت و پیشرفت» به عنوان گفتمان اصلی و مرجع در دهه چهارم معرفی و به کار گرفته شود. بنابراین، از این پس دولت‌ها باید برنامه‌های خود را در چارچوب این گفتمان و در قالب «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» که مبتنی بر دو اصل عدالت‌جویی و توجه به پیشرفت از منظری اسلامی و ضد غرب‌گرایانه است، تنظیم کنند.^۱

از آنجا که مفهوم توسعه^۲ با اهداف انقلاب اسلامی هماهنگی ندارد، با طرح این الگو بخشی نوین از انقلاب اسلامی در دهه چهارم حیات انقلاب برای جامعه ایرانی، کشور از الگوهای غربی در قالب توسعه بی‌نیاز خواهد شد؛ به طوری که تلاش شده است با ترسیم الگوی ترکیبی بومی‌شده و برگرفته از ایدئولوژی اسلامی - ایرانی و تجدیدبندی‌شده مدرنیته، آن را با بافت و فرهنگ بومی و سنتی ایران سازگار کنند.

در واقع، روشن‌شدن ابعاد و مختصات تحلیلی از این موضوع، بررسی و بازخوانی تفصیلی «گفتمان عدالت و پیشرفت» و «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» در کلام رهبر معظم انقلاب برای تولید دانش و اندیشه‌سازی، مهم‌ترین راهکارها و راهبردها در این زمینه است. به طوری که تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که مبتنی بر انعکاس آرمان‌ها و اهداف نظام با اتکا به پشتوانه‌های

۱. برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir>

حقوقی و شرعی است، متأثر و ملهم از تأکید رهبر معظم انقلاب بر «تلفیق دو فرهنگ اسلامی و ایرانی»، «انتخاب کلمه پیشرفت به جای مفهوم توسعه»، نگاه ویژه بر اهمیت ابزارهای فرهنگی از جمله «آموزش و پرورش و رسانه‌ها»، و تأکید بر «اهمیت علم و معنویت» در ذیل رویکردهای فرهنگی است.

از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی و واسازی مفهومی، مبانی و مبادی گفتمانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است و در راستای دستیابی به این هدف، پرسش اصلی این خواهد بود که افق‌های مورد نظر در الگوی بومی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر کدام عناصر و شاخص‌ها تأکید می‌کند؟

فرضیه اصلی پژوهش مطرح می‌شود این است که از آنجا که جایگزین‌سازی مفهومی از موضوع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مبتنی بر دو اصل عدالت و پیشرفت با شاخص‌های بومی به جای توسعه غربی است، همه ابعاد زندگی انسان ایرانی را دربرمی‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش

بومی‌گرایی و سیر تاریخی آن

پس از جنگ جهانی دوم، زمانی که امپراتوری‌های استعماری قدیم جای خود را به یک ساخت برتری‌جویانه جدید قدرت دادند، «مستعمرات» پیشین به صورت دولت - ملت‌های جدید یکی پس از دیگری ظهور کردند (بروجردی، ۱۳۸۸، ص ۳۱). بومی‌گرایی گرایشی است که با ایجاد زیرساخت‌های شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی، غالباً به نفی هر چه غیربومی و غیرسنتی است، می‌پردازد و خواهان بازآوردن یا تداوم ارزش‌های اصیل و بومی فرهنگی است (میرسپاسی، ۱۳۸۹، صص ۳۸ و ۳۷). این واژه به طور مکرر با روند و تاریخ استعمارزدایی پیوند خورده است (Ashcroft, 1998, pp.158-161). به طوری که بومی‌گرایی، به عنوان یک شیوه تفکر - و نه الزاماً یک شیوه زیست - از دل نارضایتی انسان‌های ریشه‌کن می‌شود، از زمین و سنت برمی‌آید؛ انسان‌هایی که «هویت» خود را دستخوش تهاجم فرهنگی غرب می‌پندارند (قرلسفلی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۲).

مفاهیم مرتبط با بومی‌گرایی

برای فهم مبانی قدرت در گفتمان بومی می‌توان مفاهیم کلیدی متفاوت در این گفتمان را از یکدیگر متمایز ساخت و با روشن کردن تفاوت این مفاهیم، مسأله محوری و دغدغه‌های اصلی این گفتمان را شرح داد (بروجردی، ۱۳۷۷، ص ۳۰). گفتمان بومی بسته به اینکه به کدام وجه از وجوه تولید، آموزش، کاربست و پیامدهای علوم توجه و تأکید کند و بسته به اینکه چه جهت‌گیری ایدئولوژیکی نسبت به علم مدرن داشته باشد، معنا و تعریف متفاوتی از بومی ارائه می‌کند (گل‌محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴). از این رو، معیار جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک قدرت در رابطه با امر بومی را می‌توان در دو قطب قرار داد: نخست، جهت‌گیری معطوف به پذیرش مدرنیته و علم مدرن و در نتیجه، جهت و هدف غایی بومی‌سازی را همسویی و پیوند بیشتر با دانش جهانی می‌بیند. اما جهت‌گیری ضدیت با مدرنیته نوعی گسست با علم جهانی را تقویت می‌کند (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۹، صص ۳۵۹ و ۳۴۲).

۱. بومی‌شدن

مفهوم بومی‌شدن^۱ ناظر بر فرایند طبیعی تعامل ارگانیک بین فرهنگ، زبان، تاریخ و تجربه یک جامعه با علم است. از این منظر، علم نوعی فرهنگ یا امر فرهنگی است که ناگزیر و خودبه‌خود با ویژگی‌ها و بستر جامعه انسانی در هر جا که باشد، عجین می‌شود. در این صورت، همه علوم بومی هستند و خودبه‌خود بومی می‌شوند و نیازی به بومی‌سازی یا بومی‌کردن آن‌ها نیست. از این منظر، نمی‌توان علوم را غیربومی دانست، بلکه علم به ویژه علم انسانی همواره به بستر خود وابسته است (سبزی و جمشیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۵). این تلقی از علم بیشتر مبتنی بر آموزه‌های جامعه‌شناسی معرفت است که نسبت جامعه و معرفت را نسبتی گسست‌ناپذیر می‌داند. از این رو، بومی‌شدن یک «فرایند» نه یک «پروژه» است که معطوف به وجه تولید علم است، نه وجوه کاربست یا اشاعه و آموزش آن (عنبری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱).

۲. بومی‌گرایی

بومی‌گرایی^۱ نوعی گرایش سیاسی و ایدئولوژیک است. در این گرایش مسأله بومی امری سیاسی و مربوط به چگونگی رابطه و نسبت بین غرب و کشورهای غیرغربی است. در این گرایش سیاسی مسأله بومی یک پروژه است. این گرایش بیشتر معطوف به «پیامدها»ی علوم اجتماعی است نه آموزش، تولید و کاربست آن. این گرایش بیش از هر چیز توسط روشنفکران و فعالان سیاسی و دولت‌ها پیگیری می‌شود و کمتر خاستگاه و جایگاه درون دانشگاهی یا درون اجتماع علمی دارد (فاضلی، ۱۳۸۸، صص ۳۵۶ و ۳۵۵). گفتمان بومی‌گرایی در ایران قرائت‌های مختلف حداقلی یا حداکثری دارد. قرائت حداکثری آن معطوف به گسست با غرب و ستیز با مدرنیته است، اما قرائت حداقلی آن درصدد است تا با نوعی التقاط جهت‌گیری‌های مختلف نوعی پیوند با غرب را حفظ کند ولی به شیوه‌ای انتقادی. در این انگاره، علم ابزاری در خدمت ایدئولوژی است. از این رو، می‌توان و باید علم را در خدمت ناسیونالیسم یا اسلام درآورد (فراستخواه، ۱۳۸۸، صص ۱۰۲ و ۱۰۰).

۳. بومی‌سازی

بومی‌سازی^۲ نوعی سیاست یا خط‌مشی است که متأثر از گفتمان‌های مختلف مسأله بومی، سعی در هدایت سازمان‌یافته علم به سوی بهره‌برداری از آن در جامعه معین دارد. شارحان بومی‌سازی عالمان و کنشگران عرصه علوم اجتماعی نیستند، بلکه اغلب دولتمردان و مدیران هستند. از این رو، بومی‌سازان بیشتر معطوف به دستاوردها و نتایج علم هستند، نه روش‌ها یا محتوای آن. برای مثال بومی‌سازی در ایران بسته به کدام یک از گفتمان‌های بومی‌گرایی «حداقل و حداکثر» گرایش داشته باشد و بسته به اینکه به ایدئولوژی ناسیونالیسم یا اسلام‌گرایی وابسته باشد، محتوای متفاوتی داشته است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸، صص ۱۸۴ و ۱۸۳).

1. Nativism
2. Nativisation

۴. بومی‌نگری

بوم‌آگاهی یا بومی‌نگری نوعی خودآگاهی بازاندیشانه و انتقادی عالمان و کنشگران علوم اجتماعی نسبت به فعالیت‌های حرفه‌ای‌شان در همه زمینه‌های آموزش، پژوهش و کاربست علم است. از این رو، ضمن پذیرش اصل بومی‌شدن به مثابه یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر تلاش می‌کند جهانی اندیشد و محلی عمل کند؛ در واقع، بومی‌نگری نوعی خودآگاهی حرفه‌ای است، نه یک سیاست و خط‌مشی و نه یک ایدئولوژی از پیش تعیین‌شده (ارشاد، ۱۳۷۸، صص ۲۳ و ۲۲).

همان‌طور که گفته شد معنای ناپیدای بومی‌گرایی در بستر چالش‌های هویتی بین غرب و غیرغرب شکل گرفته است. این رویکرد در کشورهای اسلامی با توجه به شکل‌گیری جنبش‌های بنیادگرایانه اسلام‌گرا و همچنین، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران، موجب شد مسأله بومی‌سازی به صورت گفتمان اسلامی‌سازی علوم ظاهر شود (فاضلی، ۱۳۸۹، صص ۳۵۹ و ۳۴۲). اما آنچه به گفتمان بومی در کشورهای غیرغربی اهمیت می‌بخشد، تنها چالش آن با جهان غرب و کشورهای صنعتی نبوده و نیست، بلکه درون کشورهای غیرغربی نیروهای اجتماعی نوگرا و نیروهای اجتماعی سنت‌گرا حضور دارند که علم جدید را به مثابه حوزه‌ای از گفتمان چالش سنت و مدرنیته به خدمت گرفته‌اند. از این رو، مسأله تحول فرهنگی گسترده نسل جدید که به اعتقاد سنت‌گرایان، علم غربی آن‌ها را از هویت و خویشتن فرهنگی بومی‌شان بیگانه می‌کند در قالب راهبردها و نقدها دنبال می‌شود، عبارت‌اند از (فاضلی، ۱۳۸۹، صص ۳۵۹ و ۳۴۲):

- تأکید بر ناکارآمدی و ناکامی این علوم در تحقق آرمان‌های پیشرفت، رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای غیرغربی؛

- نقد معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تفکر پوزیتیویستی به مثابه پشتوانه و سنگ زیرین جدید؛

- نقد مبانی اومانیستی و غیرمتافیزیکی و دینی علم غربی و تأکید بر ضدیت‌ها و تعارض‌های بین علم و دین؛

- تأکید بر کارآمدی دانش‌های بومی به مثابه بدیل برای علم غربی؛

- اُکید بر استعمار علمی و سوءاستفاده‌های کشور غربی از علم جدید برای تحکیم و تداوم سلطه و استعمار؛
- تأکید بر پیامدهای مخرب علم جدید در زمینه از بین بردن منابع اقتصادی، تخریب ارزش‌های فرهنگی؛
- تأکید بر قلمروهای فلسفی و متافیزیکی معنادهی به زندگی و فهم جهان آخرت که علم جدید ناتوان از پرداختن به آن است؛
- نقد اخلاقی عالمان و علم جدید، تأکید بر اخلاق‌زدایی از دانشمندان و تحصیل‌کردگان علم جدید به مثابه افراد ضداجتماع، بدون اصالت یا بی‌بندوبار.

پیشینه پژوهش

جدول ۱ خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر را بیان کرده است. نکته شایان توجه درباره مطالعات پژوهشی، توجه به ویژگی‌ها بیرونی گفتمان مطرح‌شده در زمینه عدالت و پیشرفت با مبانی اسلامی - ایرانی است. همین مورد برای بیان تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی کفایت می‌کند که به نوعی در این زمینه نوآوری محسوب می‌شود.

جدول ۱. برخی پژوهش‌های انجام‌گرفته در موضوع پژوهش حاضر

ردیف	پژوهشگران	عنوان	هدف/نتیجه پژوهش
۱	کمالی اردکانی	روند تکوین الگوی توسعه‌یافتگی بومی در ایران پس از انقلاب اسلامی	تلاش برای نشان‌دادن ریشه‌های نظری مسأله توسعه در مسیر تدوین الگوی بومی برای توسعه ایران است که آن را منوط به روشن‌شدن موضوع ما نسبت به مبنای نظری «گفتمان توسعه» می‌داند که در روند مدرنیته یا تجدد ریشه دارد. این خودباوری در عرصه‌هایی مانند علم و پژوهش از ارمغان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که تا امروز ادامه دارد.
۲	مختاریان‌پور	مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت	ضمن ارج‌نهادن به موضوع الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در ایران، و اشاره به منویات رهبر معظم انقلاب در این زمینه، با اشاره به موضوعات مرتبط با این حرکت عظیم ملی در مسیر تعالی، لزوم طراحی و به‌کارگیری مدل فرایندی را در این مسیر مورد تأکید قرار می‌دهد.

ردیف	پژوهشگران	عنوان	هدف/نتیجه پژوهش
۳	جعفری‌نژاد و بهمن	جایگاه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و الگوی لیبرالی توسعه با تأکید بر آرای امام خامنه‌ای (دام‌ظله)	بررسی تمایزات الگو اسلامی- ایرانی پیشرفت با الگوهای لیبرالی توسعه در مقوله عدالت با استناد به منویات مقام معظم رهبری و مستندات موجود در این زمینه است. به طوری که با توجه به بررسی‌ها در الگوهای لیبرالی، توجه به حیات دنیوی، موجب نادیده‌گرفتن نقش عدالت در توسعه می‌شود، عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و در عدالت قالب آرای رهبر معظم انقلاب به معنای پرهیز از تبعیض است و پیشرفت مبتنی بر عدالت، زمینه‌ساز دستیابی به حیات طیبه تلقی می‌شود.
۴	پیروزمند	پیشامد و پس‌آمد الگوی توسعه اسلامی	تبیین فرایند علمی با محوریت الگوی توسعه اسلامی، محور تمرکز این پژوهش بوده است. الگوی توسعه اسلامی- ایرانی حلقه مهمی است که با قبل و بعد خود، معنا می‌یابد و اثربخش می‌شود. نویسنده در صدد است روند امیدبخش اما دشوار دستیابی به توسعه اسلامی را به وضوح ترسیم کند.
۵	سنجولی	تبیین ماهیت الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت	بازشناسی مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مدخل ورود به موضوع پژوهش است. سپس، مفاهیمی مانند عرصه‌های پیشرفت، مفهوم توسعه اسلامی، تعریف و واسازی اصطلاحات، نقاط افتراق و اشتراک پیشرفت و توسعه، و اهمیت دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، و راهبردهای دستیابی به آن بررسی می‌کند.

یافته‌های پژوهش

نگاه انتقادی به توسعه و حرکت به سوی گفتمان‌سازی بومی

تا پیش از شکل‌گیری گفتمان عدالت و پیشرفت، نظام سیاسی در ایران (جمهوری اسلامی) تنها نقدهایی را بر نظریه‌های توسعه وارد می‌کرد؛ به طوری که انقلاب اسلامی، بسترهای موضوعی و زمینه‌ای موجود در خود (اسلام سیاسی و تشیع) را، عاملی در جهت تکمیل آن می‌دید. اما این رویه انتقادی با طرح گفتمان عدالت و پیشرفت از سوی رهبر معظم انقلاب به پایان رسید؛ به طوری که اصولاً جمهوری اسلامی خود را خارج از گفتمان توسعه تعریف کرد و در گفتار رسمی

رهبر معظم انقلاب به طور واضح و شفاف، گفتمان توسعه امری استکباری و در ادامه سیاست‌های سلطه‌طلبانه غرب تلقی شد (خوشروزاده، ۱۳۸۳، صص ۱۵۸ و ۱۵۹).

گفتمان عدالت و پیشرفت در واقع، جدیدترین تجلی گفتمان پیروز در رقابت‌های سال‌های نخستین پس از انقلاب اسلامی است که در چارچوب اسلام‌گرایی سیاسی، زندگی را در دو بعد مادی و معنوی می‌بیند و با اولویت‌دادن به بعد معنوی زندگی، و نقد گفتمان‌های رایج ماده‌گرا، که به طور عمده متعلق به فرهنگ و تمدن غربی هستند، خواستار عدالت در عرصه‌های مختلف اجتماعی است و تحقق توسعه را صرفاً در چارچوب گفتمان عدالت و پیشرفت و از طریق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - که دو جنبه عدالت و پیشرفت به طور همزمان در آن برجستگی دارد، می‌بیند. از لحاظ تاریخی، بومی‌گرایی و گرایش به جهان سوم موجود در گفتمان انقلاب اسلامی، به بهترین وجه ممکن در متون نظری گفتمان عدالت و پیشرفت قابل شناسایی و پیگیری است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۲، صص ۶۱ و ۶۳).

با این حال، پیرو معرفی گفتمان عدالت و پیشرفت و فراخوان مقام معظم رهبری برای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انواع موضع‌گیری‌ها در این زمینه انجام گرفت که محور عمده آن‌ها مرور انتقادی رویکردهای توسعه‌ای در زمان پهلوی، انتقاد از فرهنگ و تمدن غربی به دلیل ابتنای آن بر ماده‌گرایی و اومانیزم، ضرورت تحول در علوم انسانی به دلیل غربی‌بودن این علوم، انتقاد از رویکردهای توسعه‌ای دولت‌های پس از انقلاب به دلیل پیروی از مدل‌های غربی بود.

ایجاد تحول در تولید سنتی و تلاش برای دستیابی به تولید صنعتی، گام اولیه توسعه است. ایجاد نظام حقوقی مناسب با تولید، دستیابی به هنر متناسب با تولید، ایجاد تغییرات سیاسی برای رونق تولید و در نهایت، ایجاد فرهنگ مادی متناسب با تولید مدرن از گام‌های بعدی توسعه است. به همین سبب، بعضی از متفکران توسعه را نوعی تغییر تمدنی می‌دانند؛ تغییری که متأثر از مبانی معرفتی و پیشینه تاریخی خاص خود است. بنابراین، توسعه برای جوامعی که این مبانی معرفتی را ندارند، پیشرفت به معنای واقعی نخواهد بود. تفاوت الگوی پیشرفت با الگوی توسعه در این است که نخست، مبانی معرفتی در الگوی پیشرفت متأثر از شرایط تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی، زمانی

و مکانی هر کشور است؛ دوم، به جنبه‌های روحانی و معنوی انسان توجه می‌شود. عدالت به عنوان یک آرمان مقدس انسانی نیز باید در کنار پیشرفت بر آن تأکید شود (علی‌احمدی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۶ و ۱۲۴).

گفتمان عدالت و پیشرفت در کلام مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

به دنبال تصویب و ابلاغ سند ملی چشم‌انداز ایران افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور که متکی بر تجربه چهار دهه اداره کشور است، گفتمان عدالت و پیشرفت به عنوان گفتمان غالب و مسلط کشور در دهه چهارم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری تعیین شد. در واقع، رهبر معظم انقلاب در تبیین مسیر برای پیاده‌سازی مبانی و مبادی عدالت و پیشرفت، موضوع گفتمان‌سازی در این زمینه را مطرح کردند. ایشان با تأکید بر اهمیت گفتمان در یک جامعه، جایگاه آن را در جامعه چنین وصف می‌کنند:

«گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان‌سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه‌ها و به خصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است» (بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

ایشان همچنین، در این زمینه برای دهه چهارم انقلاب، دو شاخص عمده را در قالب گفتمان غالب مشخص و تعیین می‌کنند:

«دو شاخص عمده که باید این دو را حتماً بدست بیاوریم، یکی پیشرفت است، یکی عدالت. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با

عدالت»^۱. پس در این دهه، گفتمان مسئولان کشور بایستی پیشرفت و عدالت باشد»^۲.

پیشرفت و عدالت از منظر مقام معظم رهبری

در پارادایم توسعه، ایده پیشرفت یکی از پیش‌فرض‌های نظری تفکر مدرن و به عبارتی «مذهب واقعی تمدن غرب» است (Johnson, 2008, p.9)؛ اما از جنبه مفهومی پیشرفت در نگاه مدرن مفهومی مبهم بوده و در متون نظری آن مستقل از ساختار مشخصی، توسعه یافته است (Cerbaro et al., 2016, p.31). از نظر اصطلاحی، پیشرفت فرایندی تجمیعی است که در آن مرحله متأخر، همواره مرجح‌تر، بهتر و دارای کیفیتی بالاتر تلقی می‌شود. این فرایند دارای چهار ویژگی خطی بودن، تمرکز، ضروری بودن و برگشت‌ناپذیر بودن است (Johnson, 2008, p.13). بر اساس اندیشه مدرن پیشرفت، هدف و غایت دانش، مطلوبیت مادی است (Bury, 1920, p.50)، اما در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نگاهی چندبعدی به پیشرفت وجود دارد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۴). در توصیف این الگوی پیشرفت رهبر معظم انقلاب مبادی و مبانی را این چنین ترسیم می‌کنند:

«مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است؛ یعنی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی؛^۳ کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه یک‌بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش به همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم و موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، آورده و داخل مجموعه کار خودمان کنیم. ما مفهومی را

۱. برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir> ۱۳۸۷/۱/۱

۲. برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir> ۱۳۸۷/۶/۲

۳. برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir> ۱۳۸۷/۷/۷

که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». در واقع آن مفهومی که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را تا حدود زیادی در خود جمع کند و به ما نشان دهد، مفهوم پیشرفت است. ... پیشرفت حرکت است، راه است، صیورت است؛ اما متوقف‌شدنی نیست و ادامه دارد؛ چون انسان ادامه دارد، ... پیشرفت دارای ابعاد است؛ و پیشرفت در مفهوم اسلامی با پیشرفت یک‌بعدی یا دویبعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چندبعدی است. ... یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن. ... هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و ساسی است. به هر دو بخش باید رسید (بیانات رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

در این راستا و با توجه به اشارات بیان‌شده، الگوی پیشرفت، نسخه‌ای هویتی است که مؤلفه‌های هویتی آن، از نوع هویت حاکم بر یک تمدن تبعیت می‌کند؛ به نوعی باید گفت که هر الگوی پیشرفت بازتاب تفکرات اعتقادی حاکم بر تمدن موجد آن است (امرائی، ۱۳۸۸، ص ۴۲). اما منظور از عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، عدالت اجتماعی است که در جایگاه کلان‌ترین راهبرد در همه عرصه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد که وجه امتیاز و موجب درخشش این الگو، در برابر الگوهای رقیب و معارض است. بنابراین، برنامه‌ریزی اجرایی در جهت تحقق این کلان راهبرد، همواره باید به صورت متوازن و هماهنگ در همه عرصه‌های اجتماعی انجام پذیرد. اقتصاد عادلانه همگام با فرهنگ یا سیاست یا نظام قضایی ناعادلانه و فرهنگ عدالت‌خواه همگام با اقتصاد و سیاست ناعادلانه و نظایر این‌گونه ترکیب‌های عرصه‌های اجتماعی، موجب ناپایداری عدالت در موارد گسترده و بسط بی‌عدالتی می‌شود و در نهایت، بسیاری از مردم، حتی دانشمندان و نخبگان را نیز به سوی باور به نظریه امتناع عدالت اجتماعی سوق خواهد داد (سنچولی، ۱۳۹۲، ص ۹۷).

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کلام مقام معظم رهبری

الگو، چارچوبی نظری و ذهنی و یک نقشه جامع است که هدف و سمت حرکت، شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق یافتن تحول تکاملی جامعه بیان می‌کند (مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱، صص ۱۰ و ۱۲).

در تقسیم‌بندی کلی از الگو، الگوها به دو دسته فرایندی و نتیجه ای تقسیم می‌شوند؛ الگوهای فرایندی، الگوهایی هستند که مراحل فرایند رسیدن به نتیجه را نشان می‌دهند. در واقع، الگوهای فرایندی کمک می‌کنند این نتیجه به دست آید، بدین معنا که اگر گام به گام بر اساس الگو پیش برویم، در نهایت، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود. اما الگوهای نتیجه ای، آن دسته از الگوهای هستند که در موضوعی مشخص مجموعه نتایج و راهکارهایی را به ما ارائه می‌دهند که از میان آن‌ها انتخاب صورت می‌گیرد. در واقع این الگوها برخلاف الگوهای فرایندی مسیر رسیدن به نتیجه را ترسیم نمی‌کنند، بلکه نتیجه را بیان می‌کنند (اعرابی، ۱۳۹۲، صص ۱۳۲ و ۱۳۶).

نکته مهم در این زمینه این است که الگوی مد نظر در رابطه با موضوع پیشرفت در ایران فرایندی بودن آن است که مشتمل به مراحل است که پیاده‌سازی گام به گام آن به شکل‌گیری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منجر می‌شود.

در واقع، منظور از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دستیابی به یک الگوی پیشرفت بر اساس مبانی فکری اسلام و شرایط بومی ایران است. بنابراین، این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، اسلامی است؛ به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم. وقتی می‌گوئیم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع» (بیانات رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰). مبانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شامل مواردی چون محور بودن مردم، اصل توجه به خانواده، عدالت و تأمین اجتماعی، نگاه غیرمادی به اقتصاد و راه و روش حکومت و حکومت‌داری می‌شود (سنچولی، ۱۳۹۲، ص ۸۲).

با این حال ماده ۱ قانون برنامه پنجم توسعه در این زمینه چنین حکم می‌کند:

«دولت موظف است با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی - ایرانی» که

مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد، را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد» (قانون برنامه پنجم توسعه کشور، ماده ۱).

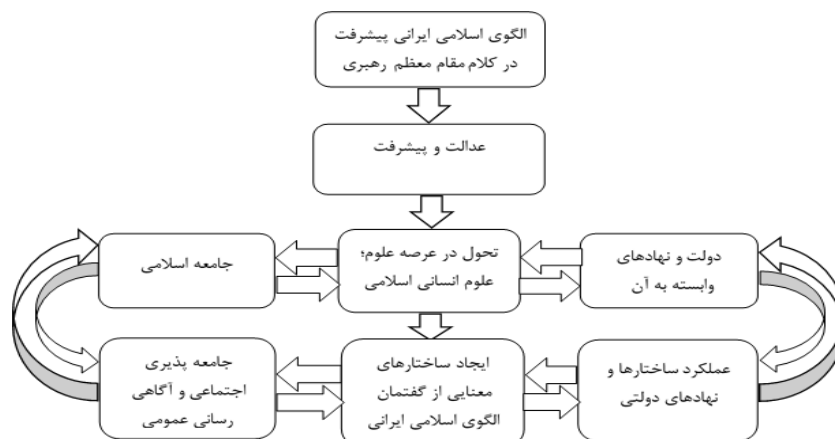
رابطه تحول در علوم با اصل تحول در گفتمان عدالت و پیشرفت

«اصل انقلاب و تفکر انقلابی دنبال تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب، بحث جنبش نرم‌افزاری و ارائه تعریف جدیدی از علوم انسانی را مطرح می‌کند. به عبارتی مقدمه الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، همین تعریف تازه از علوم انسانی است. ما از جهت سیاسی برای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مشکلی نداریم، اما از جهت مدیریتی باید نظارت بیشتر شود. از لحاظ فرهنگی لازم است تا این تحول را در علوم انسانی پدید آوریم. علوم انسانی ما به پیروی از علوم انسانی غربی شکل گرفت و نسبتی هم با الگوی اسلامی- ایرانی توسعه ندارد» (عظیمی، ۱۳۷۸، صص ۶۶ و ۶۷).

علوم انسانی موجود وظایف (تبیین وضعیت مطلوب، تحلیل وضعیت موجود، ارائه راهبرد تغییر) خود را از طریق نظریه‌هایی انجام می‌دهند که غالباً مبتنی بر جهان‌بینی و ارزش‌های غیراسلامی است. اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود به مفهوم تخلیه این نظریه‌ها از بینش‌ها و ارزش‌های غیراسلامی و وارد کردن بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی در آنها است. اما در تأسیس علوم انسانی اسلامی روش‌ها و ابزارها و قالب‌های نظریه‌های علوم انسانی موجود نیز اسلامی می‌شود و محصور در چارچوب‌ها و روش‌ها و ابزارهای علوم انسانی موجود نمی‌شویم. الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی است و اسلامی‌سازی این علوم مقدمه لازم تدوین این الگو است. در حقیقت، علوم انسانی روش‌ها و نظریه‌های لازم برای تحلیل وضعیت موجود و تبیین وضعیت مطلوب و ارائه راهبردها را فراهم می‌کنند. بنابراین، هرچه در اسلامی‌سازی علوم انسانی بیشتر پیش برویم، می‌توانیم وجه اسلامیت الگوی پیشرفت را بیشتر

تعمیق نماییم. به طوری که از جمله مفروضات اساسی در گفتمان عدالت و پیشرفت این است که تئوری، مدل و نظامات غربی توسعه نه تنها از مشروعیت لازم برای مسلمانان و جامعه اسلامی برخوردار نیستند، بلکه در سده اخیر با چالش‌های جدی کارآمدی نیز روبه‌رو بوده‌اند (میرمعزی، ۱۳۸۹، صص ۷۱ و ۶۹).

از این رو، اختلاف در مبانی معرفتی جوامع و ضرورت در نظر گرفتن آن در الگوی مناسب توسعه از نکاتی است که در گفتمان اسلامی- ایرانی پیشرفت بسیار بر آن تأکید می‌شود. از این رو، باید برای ایران به عنوان یک کشور مسلمان الگوی خاصی باید طراحی شود که مختصات معرفتی بومی- اسلامی در آن رعایت شود. زیرا توسعه غربی پاسخگوی نیازها و ویژگی‌های جامعه اسلامی- ایرانی نیست. ایران اسلامی توسعه‌ای فراتر از توسعه غربی را می‌طلبد، زیرا ما در جهانیابی و مبانی معرفت شناختی و انسان‌شناختی جامعه ایرانی با غرب متفاوت است (ظهیری، ۱۳۸۰، ص ۸۶). شکل ۱ چرخه و روند تکمیلی از ارتباط و پیوستگی همه‌جانبه در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را نشان می‌دهد.



شکل ۱. تصویر شماتیک از ارتباط و پیوستگی همه‌جانبه در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت

نتیجه‌گیری

از منظر گفتمانی، گفتمان عدالت و پیشرفت و نیز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در حال حاضر

در مسیر طی کردن مراحل استعاری خود با طرح سلسله‌ای از تمایزات^۱ در برابر گفتمان توسعه غربی قرار دارد که در این پژوهش با کمک گرفتن از نظریه بومی‌گرایی و زیر بخش‌های متعلق به آن بررسی شد. در حالی که این گفتمان در حال تبدیل شدن به گفتمانی مرجع و هژمون در فضای سیاستگذاری و مدیریت اجرایی دولت و در عرصه عمومی و اجتماعی ایران است، نباید فراموش کرد که پیشنهاد و دغدغه جایگزین الگوی بومی با رویکرد اسلامی - ایرانی برای تحول و توسعه از شکل غربی آن، زمینه اصلی گفتمان بومی‌گرایی مفصل‌بندی شده پس از انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد؛ اما تجربه «چهار دهه» بعد از انقلاب، مصروف برخی آزمون‌ها و خطاها درباره چگونگی پیشرفت کشور شده است که الگوی اسلامی - ایرانی به عنوان یک دال مرکزی خروجی آن محسوب می‌شود. به طوری که شناخت متراکم و واقع‌بینانه‌ای از تجربه‌های کشور در طول این چهار دهه در برخی «نهادسازی‌ها» و «اصلاح ساختارها» مانند ترسیم «چشم‌انداز بیست‌ساله» و «تدوین سیاست‌های اصل ۴۴» و «هدم‌کردن یارانه‌ها» می‌تواند در تدوین بهتر الگوی پیشرفت کشور نقش کلیدی و مؤثری ایفا کند. به عبارتی، فراهم شدن بسیاری از زیرساخت‌های توسعه کشور در طول سال‌های گذشته، تبدیل شدن پیشرفت‌های علمی در جامعه به جریان عمومی در کشور، ارتقای شایان توجه اعتماد به نفس ملی با توجه به وجود جمعیت جوان تحصیل کرده، با عنایت به این اصل که می‌توان «پیشرفت کرد، اما غربی نشد» در کنار زایل شدن باور به الگوی غربی پیشرفت به عنوان تنها راه پیشرفت که امروزه علاوه بر «مشروعیت» با چالش «کارآمدی» روبه‌رو است، زمینه‌های مناسبی را برای تدوین و نیز اجرای «درست» و «کارآمد» الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت به وجود آورده است. به طوری که با توجه به مطالب بیان شده در این زمینه می‌توان گفت در مدل فکری - عملی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مضامین نظری از بومی شدن، بومی‌گرایی، بومی‌سازی و بومی‌نگری با گزاره‌های کلیدی از موضوع گفتمانی را می‌توان به راحتی در آن شناسایی کرد.

1. Chain of differences

منابع

۱. ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۸). بومی‌شدن علم و سهم دانشگاه در این جریان. مجموعه مقالات دانشگاه، جامعه و فرهنگ انسانی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (صص ۲۰-۲۳).
۲. اعرابی، سید محمد (۱۳۹۲). *الگوهای فرایندی و نتیجه‌ای در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، گفتارهایی در مبانی، مفاهیم و روش‌شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. معاونت برنامه‌ریزی امور تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
۳. امرائی، حسن (۱۳۸۸). *مهندسی سیاست*. تهران: نشر شوکا.
۴. انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۹). *علم جهانی، امکان یا امتناع*. تهران: مجموعه مقالات همایش علم بومی جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
۵. بروجردی، مهرداد (۱۳۷۷). *روشنفکر ایرانی و غرب*. ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر فرزاد.
۶. بروجردی، مهرداد (۱۳۸۸). *گفت‌وگو: روشنفکری ناکام، بومی‌گرایی و روشنفکران ایرانی*. مهرنامه، شماره اول.
۷. بتون، تد، و کرایب، یان (۱۳۸۴). *فلسفه علوم اجتماعی، بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی*. ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران: نشر آگاه.
۸. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی و جهانی‌شدن*. فصل‌نامه مطالعات راهبردی، ۹(۳۱)، ۱۴۵-۱۷۱.
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، برگرفته از تارنمای WWW.Khamenei.ir.
۱۰. خوشروزاده، جعفر (۱۳۸۳). *انقلاب اسلامی از نظریه‌پردازی توسعه تا توسعه نظریه‌پردازی*. مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ۹، ۱۵۷-۱۷۶.

۱۱. سبزی، داود، و جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۳). بنیادهای فرهنگی - معرفتی بومی‌سازی نظریه‌های علوم انسانی. ماهنامه معرفت، ۱۹۸، ۱۳-۲۸.
۱۲. سنچولی، زینب (۱۳۹۲). تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. فصل‌نامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۲(۳)، ۷۹-۱۰۴.
۱۳. شجاعی زند، علی رضا، و فجری، حسین علی (۱۳۸۷). قابلیت‌های تحلیل گفتمانی در بررسی پدیده‌های فرهنگی - اندیشه‌ای (با تأکید بر گفتمان هژمونیک‌شده در انقلاب اسلامی). پژوهشنامه متین، ۴۰، ۶۳-۹۰.
۱۴. طباطبائی، سید حبیب‌الله، و قادری، رضا (۱۳۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چیستی و چگونگی. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی (صص ۱۸۵-۱۹۴).
۱۵. ظهیری، سید مجید (۱۳۸۰). رویکرد دینی به آرمان توسعه‌یافتگی و مقایسه آن با توسعه غربی. مجله اندیشه، ۷(۳)، ۷۳-۸۳.
۱۶. عظیمی، حسین (۱۳۷۸). ایران امروز در آینه مباحث توسعه. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۹۰). پیش‌طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. تهران: نشر تولید دانش.
۱۸. عمادی، محمدحسین، و عباسی، اسفندیار (۱۳۷۸). حکمت دیرین در عصر نوین، کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار. جلد اول، وزارت جهاد سازندگی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۱۹. عنبری، موسی (۱۳۹۴). موانع معرفتی بوم‌اندیشی توسعه در ایران. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۶(۲۲)، ۵۱-۷۸.
۲۰. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مدرن در ایران معاصر. تهران: نشر آفتاب.
۲۱. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۸). گفتمان مسأله بومی، مسأله بومی‌سازی علوم اجتماعی از رویکرد مطالعات فرهنگی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۳(۱)، ۸۴-۹۶.

۲۲. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). مقایسه سه گذرگاه معرفتی درباره دانش بومی در ایران، با تأکید بر تحولات مفهومی، ساختی و کارکردی علم. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۳(۱)، ۹۷-۱۱۰.
۲۳. قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۰). *فلسفه سیاسی، مناقشه‌های نظری در عصر جهانی شدن*. تهران: انتشارات رشد آموزش.
۲۴. گل محمدی، احمد (۱۳۸۶). *جهانی شدن فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.
۲۵. متن ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir> در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
۲۶. مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۱۳۹۱). *چیستی و مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقشه راه و فرایند طراحی، تدوین، تصویب و پایش الگو*. تهران: معاونت هماهنگی و نظارت فرایندی.
۲۷. میر معزی، سید حسین (۱۳۸۹). *الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و اسلامی سازی علوم انسانی*. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، ۶۱ - ۷۴.
۲۸. میرسپاسی، علی (۱۳۸۴). *تأملی در مدرنیته ایرانی، بحثی درباره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران*. ترجمه جلال توکلیان، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۹. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷). *اقتراح دین و توسعه*. فصل‌نامه قبسات، ۷، ۲-۲۵.
۳۰. هزارجریبی، جعفر، و صفری شالی، رضا (۱۳۹۲). «گفتمان عدالت در لویح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر کاهش و محرومیت)». *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، ۶۱، ۱-۴۴.

31. Ashcroft, B. (1998). *Key Concepts in postcolonial studies*. London: Routledge.
32. Bury, J. B. (1920). *The idea of progress, an Inquiry into its Origin and Growth*. London: Macmillan & Co.
33. Cerbaro, R., Henrique, W., & Jamie, L. (2016). The idea of progress: A theoretical and concise goal - structure model. *Current Research in Psychology*, 7(1), 12-17.
34. Howarth, D., & Stavrakakis, Y. (2000). Introducing discourse theory and political analysis. In *Discourse theory and political analysis*. Edited by David R. Howarth; Aletta J. Norval & Yannis Stavrakakis, Manchester: Manchester University Press.
35. Johnson, G. (2008). A brief history of the idea of progress. *The Occidental Quarterly*, 8(1), 7-16.

References

1. AliAhmadi, A. (1390). *Preview of the Islamic-Iranian model of progress*. Tehran: knowledge Production Publication. [in Persian]
2. Anbari, M. (1394). Epistemic Obstacles to development indigenization in Iran. *Welfare Planning and Social Development*, 6 (22), 51-78. [in Persian]
3. Arabi, S. M. (1392). *Procedural and resultative models in Islamic-Iranian model of progress, speeches about foundations, concepts and methodology of Islamic-Iranian model of progress. Planning deputy of development issues for Islamic-Iranian model of progress*. Tehran: Publications of Presidential Strategic Planning and Control. [in Persian]
4. Ashcroft, B. (1998). *Key Concepts in postcolonial studies*. London: Routledge.
5. Azimi, H. (1378). *Iran's today in reflection of development topics*. Qom: Islamic Culture Publishing Office. [in Persian]
6. Banton, T., & Craib, Y. (1384). *Social sciences philosophy, the philosophical Foundations of social thought*. Translation of Shahnaz Mossama Parast and Mahmud Mottahed. Tehran: Agah Publication. [in Persian]
7. Behroz Lak, Gh. (1386). Political and Universal Islam. *Strategic Studies Journal*, 9 (31), 145-171. [in Persian]
8. Brojerdi, M. (1377). *Iranian intellectuals and the West*. Translation of Jamshid Shirazi, Tehran: Farzan publication. [in Persian]
9. Brojerdi, M. (1388). Discussion: Failed enlightenment, Nativism, and Iranian's intellectuals. *Mehrname*, No. 1. [in Persian]
10. Bury, J. B. (1920). *The idea of progress, an Inquiry into its Origin and Growth*. London: Macmillan & Co.
11. Cerbaro, R., Henrique, W., & Jamie, L. (2016). The idea of progress: A theoretical and concise goal – structure model. *Current Research in Psychology*, 7(1), 12-17.
12. Emadi, M. H., & Abbasi, E. (1378). *Old wisdom in modern time, Application of indigenous knowledge in sustainable development*. First Vol., Ministry of Construction Jihad, Tehran: Research Centre and Study of Rural Matters. [in Persian]
13. Emraie, H. (1388). *Policy engineering*. Tehran: Shuka Publication. [in Persian]
14. Ershad, F. (1378). Science indigenization and university contribution in this current, University Articles' Collection, Society and Human Culture, the Ministry of Science, Research and Technology (pp. 20-23). [in Persian]
15. Farasatkah, M. (1388). Comparison of three episodic passages about indigenous knowledge in Iran with emphasis on conceptual, constructive, and functional developments of science. *Journal of Iranian Social Studies*, 3 (1) 97-110. [in Persian]
16. Fazeli, N. A. (1388). Indigenous issue discourse, social science indigenization issue from perspective of cultural studies. *Journal of Iranian Social Studies*, 3 (1), 84-96. [in Persian]
17. Fazeli, N. A. (1388). *Modern Anthropology in contemporary Iran*. Tehran: Aftab Publication. [in Persian]
18. Ghezsofla, M. T. (1390). *Political philosophy, Theoretical controversies in the age of globalization*. Tehran: Roshd Publication. [in Persian]

19. Golmohammadi, A. (1386). *Globalization of culture, identity*. Tehran: Ney Publication. [in Persian]
20. Hadavi Tehrani, M. (1377). Religion and development improvisation. *Qabasat Journal*, 7, 2-25. [in Persian]
21. Hezarjaribi, J., & Safaishali, R. (1392). The justice discourse in bills of development plans after Islamic Revolution (with Emphasis on Reducing Deprivation). *Journal of Social Sciences*, 61, 1-44. [in Persian]
22. Howarth, D., & Stavrakakis, Y. (2000). Introducing discourse theory and political analysis. In *Discourse theory and political analysis*. Edited by David R. Howarth; Aletta J. Norval & Yannis Stavrakakis, Manchester: Manchester University Press.
23. Iranian Society of Sociology (1389). *Universal Science, Possibility or Refusal*. Tehran: Collection of indigenized science Research, Academic jihad Centre for Teacher Training. [in Persian]
24. Johnson, G. (2008). A brief history of the idea of progress. *The Occidental Quarterly*, 8(1), 7-16.
25. Khoshroozadeh, J. (1383). Islamic Revolution from development theorizing to theorizing development. *Islamic Revolution Thought Journal*, 9, 157-176. [in Persian]
26. Mir Moezzi, S. H. (1389). *Model of Islamic-Iranian development and Islamization of humanities*. The first Meeting of Strategic Thoughts, Secretaries of Strategic Thoughts Meeting, 61-74. [in Persian]
27. Mir Sepasi, A. (1384). *A Deliberation on Iran's modernization, a debate on intellectual discourses and modernization policy in Iran*. Translation of Jalal Tavakolian, Tehran: Tarhenew Publication. [in Persian]
28. Model of Islamic-Iranian Development Centre (1391). What and the Concept of Model of Islamic-Iranian Development and Plan, and Design, Develop, Approve, and Monitor Process of the Pattern. Tehran: Deputy of Procedural Regulation and Monitor. [in Persian]
29. Sabzi, D., & Jamshidi, M. H. (1393). Cultural-Epistemic Foundations of indigenization of Humanities Theories. *Marifat Magazine*, 198, 13-28. [in Persian]
30. Sancholi, Z. (1392). Explaining the nature of Islamic-Iranian Model of Progress. *Journal of Model of Islamic-Iranian Development*, 2(3), 79-104. [in Persian]
31. Shojai Zand, A., & Ghajari, H. A. (1387). Capabilities of discourse analysis in the study of cultural-thinking phenomena (with Emphasis on Hegemonic Discourse in Islamic Revolution). *Matin Research Journal*, 40, 63-90. [in Persian]
32. Statement by the Supreme Leader of the Islamic Revolution, retrieved from WWW.Khamenei.ir. [in Persian]
33. Tabataba'i, S. H. A., & Ghaderi, R. (1389). *Islamic-Iranian Model of Progress, What and how, the first meeting of Strategic thoughts*, Secretariat of Strategic Thoughts meeting (pp. 185-194). [in Persian]
34. The Announcement Text of the General Policies of the fifth Development Plan, Retrieved from <http://farsi.khamenei.ir>, Date 1378/10/21. [in Persian]
35. Zahiri, S. M. (1380). Religious Approach for Development Ideal and its Comparison with Western Development, *Andishe Journal*, 3(7), 73-83. [in Persian]